

بررسی صوری و معنایی قید در زبان فارسی: با تأکید بر ویژگی‌های صوری آن

زهرا زندی مقدم (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: با وجود پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه قید به عمل آمده هنوز هم نکات ناگفته فراوانی در این باب وجود دارد که بررسی و تحلیل تازه‌ای را می‌طلبد. در مقاله حاضر قید از نظر صورت مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولی از آنجاکه بررسی این مقوله زبانی صرفاً بر مبنای ملاک‌های صوری امکان‌پذیر نیست، به‌ناچار از ملاک‌های معنایی هم استفاده شده است. در این پژوهش صورت‌هایی که هر یک از انواع قید می‌تواند بپذیرد، نشان داده می‌شود: گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی، و بندهای قیدی. نتایج حاصل از این تحقیقات در قالب جدولی ارائه شده است که برای خواننده این امکان را فراهم می‌آورد تا بتواند به انواع قید و ویژگی‌های آنها به صورت یکجا دسترسی پیدا کند.

کلیدواژه‌ها: قید، ملاک‌های صوری، ملاک‌های معنایی، گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی، بند قیدی.

۱. مقدمه

پیش از این نگارنده مقاله‌ای با عنوان «قید، متمم، قیدواره: تحلیل زبان‌شناسان و کاربرد

آن در زبان فارسی» (۱۳۷۷) منتشر نموده است که در آن این سه مقوله به کمک ملاکی‌های معنایی از هم متمایز شده‌اند. اکنون در این مقاله قید از نظر صورت مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولی از آنجا که بررسی این مقولهٔ زبانی صرفاً بر مبنای ملاک‌های صوری امکان‌پذیر نیست، به ناچار از ملاک‌های معنایی هم استفاده شده است. از آنجا که کوثرک و همکاران (Quirk et.al. 1985) در کتاب دستور جامع زبان انگلیسی، در بررسی‌هایی که در خصوص واحدهای زبانی به عمل آورده‌اند از الگوی نسبتاً منظمی استفاده نموده‌اند، سعی شده است در بررسی‌های ما در مورد زبان فارسی از این الگو پیروی شود، بدون اینکه تحمیل ساخت زبان انگلیسی بر زبان فارسی مورد نظر باشد. در این مختصر ابتدا مروری خواهیم داشت بر مطالعات دستورنویسان ایرانی و سپس غیرایرانی در این خصوص، و در ادامه به بررسی و تحلیل داده‌های فارسی خواهیم پرداخت و در خاتمه، نتایج به دست آمده در مطالعه حاضر را در قالب جدولی ارائه خواهیم کرد.

۲. مطالعات پیشین

با وجود پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینهٔ قید به عمل آمده، هنوز هم نکات ناگفتهٔ فراوانی در این باب وجود دارد که بررسی و تحلیل تازه‌ای را می‌طلبد. در این بخش ابتدا مطالعات دستورنویسان ایرانی و سپس دیدگاه‌های دستورنویسان غیرایرانی در این خصوص از نظر خواهد گذشت.

۲-۱ مطالعات دستورنویسان ایرانی

در اکثر کتاب‌هایی که دستورنویسان ایرانی در زمینهٔ دستور زبان فارسی به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند، الگوی منظم و روشنی به چشم نمی‌خورد. در بخش اعظم دستورهای پیشین در خصوص این مسئله (واحدهای زبانی‌ای که می‌توانند در جایگاه گروه قیدی قرار گیرند، و نقش دستوری آن را به عهده بگیرند) یا اساساً صحبتی به میان نیامده و یا به‌طور پراکنده به آن اشاره شده است، مانند قریب و همکاران (پنج استاد) (۱۳۲۷ [۱۳۷۰])، همایونفرخ (۱۳۳۹)، بصاری (۱۳۴۵)، دایی جواد (۱۳۵۰)، شریعت (۱۳۶۳)، صالحی (بختیار) (۱۳۷۱)، و روایی (۱۳۷۰). تنها در معدودی از کتاب‌های دستور - که در ادامه شرح آنها از نظر خواهد گذشت - در این باره مطالبی عرضه شده است.

فرشیدورد که بخش عمده تحقیقاتش در زمینه قید بوده، و حتی رساله دکتری وی در این خصوص نگاشته شده است، در کتاب دستور امروز (۱۳۴۸: ۱۵۶) قید را از لحاظ معنی ابتدا به پرسشی و غیرپرسشی و سپس به اشاری و غیراشاری تقسیم نموده، در خصوص نحوه ساخت قیود اشاری و غیراشاری چنین می نویسد:

این گونه کلمات و گروه‌ها معمولاً از وابسته‌ساز و یک واژه اشاری و اسم یا گروه اسمی ساخته می‌شوند، مانند آنجا، اینجا، آن طرف، در آن طرف، در این نزدیکی.

وی در ادامه در صفحه ۱۵۷ قید را از لحاظ کاربرد نحوی به دو دسته ویژه و مشترک تقسیم کرده، در تعریف آنها چنین اظهار می‌دارد:

قیودی که تنها به‌عنوان قید به کار می‌رود و به‌صورت اسم یا صفت یا کلمه دیگر استعمال نمی‌گردد، قید ویژه یا مختص نامیده می‌شود، مانند هرگز، عملاً، شرقاً، گاه‌گاه، ولی اگر به صورت‌های دیگر هم به کار رود، قید مشترک نام دارد، مانند شتابان، خوب، بد، اینجا، فردا.

وی در صفحه ۱۵۸ قیدهای ویژه را از لحاظ صوری به دو دسته بسیط و مرکب تقسیم کرده است و ساختمان قیدهای ویژه مرکب را ارائه نموده که در اینجا برای سهولت به‌صورت زیر خلاصه شده است:

۱. کلمات مکرر + میانوند یا واسطه‌ساز: سال‌به‌سال، گروه‌گروه؛
۲. وابسته‌ساز + صفت یا قید: به‌مفت، به‌ناگاه؛
۳. اسم یا کلمات دیگر + صفت فاعلی مختوم به ان: زاری‌کنان؛
۴. قید مشترک با صفت + ی نکره: زودی؛
۵. حرف جرّ عربی + اسم: فی‌النور، فی‌نفسه، بنفسه؛
۶. لاء نفی جنس عربی + اسم: لابد، لامحاله؛
۷. قیدهای ویژه مرکب چرا و هرآینه.

وی در صفحه ۱۶۸ می‌نویسد:

گروه قیدی که پیش‌ازاین به‌عنوان متمم قیدی یاد کردیم از وابسته‌ساز و اسم یا جانشین اسم (از جمله گروه اسمی) ساخته می‌شود، مانند: در خانه، با کمال احترام، در هیچ حال، تا این لحظه، با دقت، مانند: او در خانه مانده است. فرهاد با کمال احترام سخن گفت. در هیچ حالی من این کار را نمی‌کنم. تا این لحظه او را ندیده‌ام. با آن سه نفر جوان گردش کردم.

او در صفحه ۲۰۳ درباره پیوندها و گروه‌های پیوندی که جمله‌واره قیدی می‌سازند

چنین اظهار می‌دارد:

اینها جمله‌واره‌ای را در حکم قید یا متمم قیدی جمله‌واره دیگر می‌کنند و عبارت‌اند از: چون، اگر، تا، به‌منظور اینکه، به علت اینکه و ده‌ها نظیر آن که در جای خود مفصل‌تر شرح داده خواهد شد. این پیوندها و گروه‌ها بنا بر نوع قید یا متممی که می‌سازند به اقسامی تقسیم می‌شوند از قبیل پیوندهای زمان، مکان، مقدار، کیفیت و حالت، شرط، مقصود، استثنا، تقابل، علت و غیره و گروه واژه‌های مربوط به آنها.

وی در این کتاب درباره هر یک از این پیوندها توضیحاتی ارائه نموده و نمونه‌هایی را عرضه کرده‌است. شفایی (۱۳۶۳: ۱۱۹) قیود را تحت عنوان ظروف معرفی کرده‌است و در صفحات ۱۲۴ و ۱۲۵ برای تفکیک ظروف مختص از ظروف مشترک ملاک دیگری را که مربوط به کارکرد نحوی قیود است ارائه نموده، چنین می‌نویسد:

ظروف مختص آنهایی هستند که یا اصولاً در داخل ترکیب‌های اضافه‌ای قرار نمی‌گیرند، مانند هنوز و یا فوراً و یا اگر هم برخی از آنها جزء اول ترکیب اضافه‌ای را تشکیل می‌دهند، مجموعه ترکیب، باز هم ظرف (یا قید) باشد، مثلاً ظرف مکان زیر.

وی در ادامه در خصوص ظرف مکان زیر می‌نویسد:

این کلمه جزء اول ترکیب اضافه‌ای قرار می‌گیرد (زیر میز)، ولی مجموعه ترکیب باز هم قید باقی خواهد ماند. اما کلمه دیگر، مثلاً فردا؛ این کلمه تمامی مشخصات ظروف زمان را داراست، از لحاظ شرکت در تشکیل ترکیب اضافه‌ای نیز می‌تواند هم جزء اول و هم جزء دوم ترکیب باشد، اما وقتی جزء اول ترکیب اضافه‌ای می‌شود ترکیب حاصله (فردای آن روز) باز هم قید زمان جمله باقی می‌ماند اما وقتی جزء دوم ترکیب اضافه‌ای می‌شود (برنامه‌های فردا) دیگر قید زمان نیست. پس باید گفت که فردا و نظایر آن جزء قیود مشترک می‌باشند. عین این استدلال را می‌توان درباره ظروف چگونگی، نظیر دوستانه و عاقلانه و... نیز تکرار نمود.

وی در صفحه ۳۹۶ جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو قیدی را برحسب معنا به انواعی تقسیم کرده و در مورد هر یک توضیحاتی ارائه نموده‌است.

صادقی و ارژنگ (۱۳۵۳: ۱۰۶-۱۰۷) تقسیم‌بندی دیگری از قید به دست داده‌اند. آنها قید و گروه قیدی را از نظر صوری به دو دسته بی‌نشانه و نشانه‌دار تقسیم کرده‌اند و در تعریف آنها می‌نویسند:

قید یا گروه قیدی بی‌نشانه کلمه یا گروه کلماتی است که بدون کمک نقش‌نما در جمله می‌آید.

— او آهسته و آرام سخن می‌گفت: تند و سریع کار می‌کرد. دیوانه می‌جنگید.

قید یا گروه قیدی باننشانه، درحقیقت همان اسم یا گروه اسمی است که به کمک یکی از نقش‌نماها در جایگاه گروه قیدی قرار گرفته و نقش دستوری آن را به عهده گرفته است.
- با اتومبیل از تهران به اصفهان رفتم. برای دیدن برادرم به خانه‌اش رفتم. او به گرمی و با مهربانی تمام از من پذیرایی کرد.

پاره‌ای از گروه‌های اسمی که بر زمان یا مکان دلالت دارند در موارد خاص می‌توانند بدون نقش‌نما نقش گروه قیدی را به عهده بگیرند.

- برادرم دیروز اینجا آمد (=... به اینجا آمد).

- او از طبقه دوم پایین آمد (=... به پایین آمد).

- من دیشب آنجا بودم (=... در آنجا بودم).

البته در موارد خاص هم این گونه کلمات ناچار از گرفتن نقش‌نما هستند.

- پرویز از فردا به مدرسه نمی‌رود. من از دیشب تا امروز در فکر او بودم.

اسم‌هایی که می‌توانند بدون نقش‌نما نقش گروه قیدی را به عهده بگیرند عبارت‌اند از:

اسم‌های زمان: فردا، دیشب، امسال، پارسال

اسم‌های مکان و جهت: اینجا، آنجا، هرجا، همه جا، کجا، بالا، پایین...

آنها در ادامه قیدهای بی‌نشانه را از نظر ساخت به پنج دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. قید ساده: تند، آهسته؛ ۲. قید مرکب: یک‌شبه، دروزه، همه‌ساله، دسته‌دسته؛ ۳. قید

پسوندی: متأسفانه، خوشبختانه، مردوار؛ ۴. قید تنوین‌دار: اولاً، فوراً، احتراماً؛ ۵. قید گروهی:

دست بر قضا، خواسته‌نخواست، موبه‌مو، نوبه‌نو، بی‌سروصدا، دست‌به‌عصا.

آنها در صفحه ۱۱۹ در مورد قید مکان و جهت می‌نویسند: «قیدهای مکان و جهت که

مکان وقوع فعل را می‌رسانند، اسم‌های مکان و جهت هستند که نقش گروه قیدی را به عهده گرفته‌اند.»

مؤلفان در صفحه ۱۲۱ قیدهای نشانه‌دار پرسشی را که به کمک کلمات پرسشی

ساخته می‌شوند، از نظر ساخت صوری به طبقاتی تقسیم کرده‌اند که خلاصه آن در ادامه

آمده است.

به + چه + اسم ← به چه نحو، به چه صورت؛ با + اسم + ی ← با چه وسیله‌ای، با چه

قصدی؛ از + چه + اسم ← از چه سبب، از چه رو؛ برای + کلمه پرسشی ← برای چه؛ با + کلمه

پرسشی ← با چه، با که؛ تا + کلمه پرسشی ← تا کی، تا کجا؛ از + کلمه پرسشی ← از کی، از

کجا.

باطنی (۱۳۴۸: ۱۷۱-۱۷۲) گروه‌های قیدی فارسی را طبقه‌بندی کرده و نمودار آن را

بدین صورت ارائه داده است.

طبقه‌بندی گروه‌های قیدی	}	→ بدون علامت صوری	طبقه بسته دستوری ^۱ طبقه باز واژگانی ^۲
		→ با علامت صوری	دارای تنوین عربی دارای حرف اضافه

مشکوٰۃ الدینی (۱۳۷۳: ۲۱۶) در مورد گروه‌های اسمی‌ای که در جایگاه قید زمان و یا مکان ظاهر می‌شوند، به عنصر دیگری که به نقش نحوی آنها مرتبط است، یعنی حرف نشانه را که معرف مفعول صریح است، اشاره نموده و چنین می‌نویسد: «ممکن است گروه اسمی در جایگاه قید زمان و یا قید مکان با نشانه را ظاهر شود» و نمونه‌هایی را ارائه می‌دهد که تنها به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود.

۱. بیشتر دانش‌آموزان از خانه تا مدرسه را پیاده می‌روند.

– بیشتر دانش‌آموزان از خانه تا مدرسه پیاده می‌روند.

۲. من شب را در خانه دوستم ماندم.

– من شب در خانه دوستم ماندم.

وی در صفحه ۲۳۱ اظهار داشته: «سازه قید به صورت گروه قیدی و یا یکی از واژه‌های قیدی، گروه حرف اضافه‌ای، گروه اسمی و یا جمله وابسته قیدی به کار می‌رود» و نمونه‌هایی را ارائه داده است.

راسخ مهند (۱۳۸۲) تقسیم‌بندی‌ای از مقوله قید برحسب اینکه آیا فعل یا جمله را مقید می‌کند، به دست داده است. وی با استفاده از الگوی متیوز (Mathews 1981) برای تمایز قید فعل از قید جمله، برخی ملاک‌های معنایی و نحوی را معرفی کرده است. رحیمیان (۱۳۸۵) تنها آن دسته عناصر اختیاری جمله را که در نقش ادات^۳ ظاهر می‌شوند از دو جنبه نحوی و معنایی تحلیل و بررسی کرده و به قیود دیگر نپرداخته است.

۱. عناصر طبقه بسته عناصری هستند که به ندرت با پذیرش عضو جدید گسترش می‌یابند.

۲. عناصر طبقه باز به عناصری اطلاق می‌شود که بی‌نهایت قابل بسط و گسترش باشند.

تا اینجا مروری داشتیم بر نظریات دستورنویسان ایرانی در خصوص مقوله قید؛ حال نگاهی خواهیم داشت بر مطالعات دستورنویسان غیرایرانی در این خصوص.

۲-۲ مطالعات دستورنویسان غیرایرانی

پلاٹس و رَنکینگ (Platts and Ranking 1911: 220) می نویسند:

سایر اجزاء کلام که از یک واحد ساخته شده‌اند یا گروهی از کلمات که وظیفه یک جزء واحد کلام را بر عهده دارند ممکن است جایگزین اسم، صفت یا قید گردند.

آنها معادل‌های قیدی را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌کنند:

۱. حالت غیرفاعلی، حالت غیرصریح: بیست فرسخ راه رفتند.

۲. صفت: تیز رفت.

۳. حالت غیرصریح همراه یک حرف اضافه: در خُفیه گفت.

این ساخت معمولاً با عبارات عربی ساخته می‌شود: فی الجملة، بالاخره.

۴. بند در یک جمله مرکب: چندان‌که وقوف یافتند...

همان‌گونه که مشاهده می‌شود این طبقه‌بندی، بیشتر بر اساس نقش نحوی انجام شده‌است تا صورت.

آنها در مورد قید حالت در صفحه ۱۱۸ چنین نوشته‌اند:

قیود حالت بسیار متنوع هستند. همه صفات و اکثر اسم‌هایی که حرف اضافه به قبل از آنها قرار گیرد و نیز اسم‌های عربی در حالت مفعولی که به تنوین نصب ختم می‌شوند، اغلب به‌عنوان قید حالت استفاده می‌شوند.

آن‌گاه چند نمونه به دست داده‌اند: آسان، به آسانی، به دشواری، حقاً.

لَمْبَتون (Lambton 1953: 61) معتقد است:

در زبان فارسی قیود از نظر صورت دارای مشخصه خاص نمی‌باشند. کلمات خاصی هستند که از نظر استعمال، با قیود انگلیسی مترادف‌اند. این کلمات عمدتاً اسم یا کلماتی هستند که قبلاً به‌عنوان اسم و یا اسامی‌ای که با حرف اضافه ترکیب می‌شوند استعمال می‌شده‌اند. بسیاری از صفات نیز به‌عنوان قید به کار می‌روند.

در اینجا مشاهده می‌شود که وی، برخلاف دستورنویسان پیشین، اعم از ایرانی و غیرایرانی، هیچ مشخصه خاصی را از نظر صورت برای قیود قائل نشده‌است. همچنان‌که دیدیم و نمونه‌های آن پیش‌ازاین ارائه شد، این نظر نادرست است.

روبین‌چیک (Rubinchik 1971: 95) معتقد است: «کلماتی هستند که ویژگی‌های واژگانی -

دستوری قیود را دارا می‌باشند.» و آنها را به صورت ذیل طبقه‌بندی کرده‌است:

الف) کلماتی که مشخصات ویژه قیود را دارا نیستند ولی از لحاظ نقش نحوی و معنایی قید محسوب می‌شوند: همیشه، همواره، اکنون؛

ب) قیودی که از زبان عربی گرفته شده‌اند: ۱. قیودی که به تنوین فتح ختم می‌شوند: فوراً، کاملاً؛ ۲. ترکیبات حرف اضافه‌ای عربی: عن قریب، فی الفور و نظایر آن؛

پ) قیودی که با افزودن پیشوند «به» و پسوند تکیه‌دار «ی» به صفات کیفی ساخته می‌شوند: به خوبی، به روشنی؛

ت) قیودی که با افزودن پسوند «-کی» به اسامی ساخته می‌شوند: دزدکی، هولکی.

این نوع قیود بیشتر در محاوره به کار می‌روند؛

ث) قیودی که از تکرار ساخته می‌شوند: رفته رفته، کم کم؛

ج) قیودی که از افزودن حروف اضافه به اسامی ساخته می‌شوند: در سابق؛

چ) گروه‌های قیدی که شکل یک ترکیب ثابت را دارند: هرچه زودتر، به طور رضایت بخش.

علاوه بر اینها، گروه کوچکی از قیود هستند که به کمک وندهایی که صفت‌سازند ساخته می‌شوند (برای مثال، پیشوند «به»، پسوندهای «وار» و «-ی») ولی نقش قید را ایفا می‌کنند.

در اینجا مشاهده می‌شود که رویین‌چیک (Rubinchik) تقسیم‌بندی کامل‌تری از قیود به دست داده و بیشتر از دیگر دستورنویسان غیرایرانی بر ملاک‌های صوری تکیه داشته‌است. وی در اینجا به نوعی از قید اشاره کرده که در دستورهای پیشین به آن اشاره نشده‌است و آن قیدی است که با افزودن پسوند «-کی» به اسم ساخته می‌شود. البته این نوع قید، همان گونه که وی اشاره کرده‌است، بیشتر در محاوره کاربرد دارد.

فوربس (Forbes 1876: 53-54) ساختمان قیود را به صورت زیر ارائه کرده‌است:

۱. اسم همراه حرف اضافه یا بدون آن: گاهی، شب و روز، به خوبی، در نهان؛

۲. صفات بدون هیچ گونه تغییر: خوب، سخت؛

۳. صفت یا ضمائر پرسشی با اسم: اینجا، آنجا، کدام طرف.

این‌ها ممکن است با حرف اضافه همراه گردند: از اینجا، در آنجا؛

۴. برخی اسامی عربی در حالت مفعولی در فارسی به عنوان قید به کار می‌روند: حالاً، قصداً.

فوربس (Forbes) ساخت جدیدی برای قید ارائه نداده‌است. تنها ساختی که دیگر

است که از صفت یا ضمایر پرسشی همراه با اسم ساخته می‌شوند.

۳. معرفی الگوی کوثرک و همکاران و بررسی و تحلیل داده‌های زبان فارسی

کوثرک و همکاران (Quirk et.al. 1985: 48) سازه‌ها را بر اساس دو ملاک صورت (یعنی ساخت درونی، به صورت گروه اسمی، گروه فعلی و نظایر آن) و نقش (به صورت فاعل، مفعول و غیره) تقسیم کرده‌اند.

منظور از نقش، تمایل رخداد یک واحد است. دو واحد که کاربرد یکسانی داشته باشند می‌توان گفت که از نظر نقش هم یکسان هستند. گروه‌ها ممکن است از نظر صورت با هم فرق داشته باشند ولی از لحاظ نقش به یک طبقه واحد تعلق داشته باشند. آنها به عنوان نمونه جمله زیر را ارائه می‌دهند:

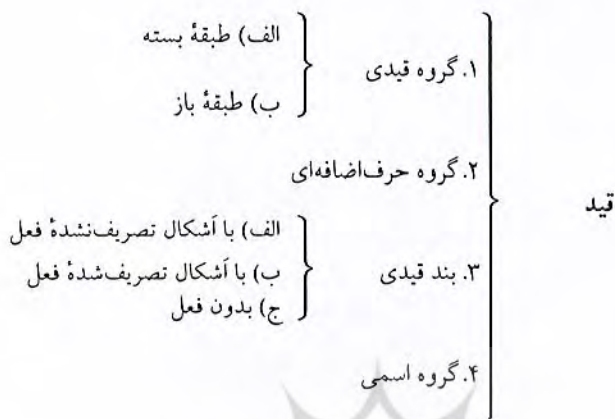
The weather has been very cold {
گروه قیدی Just recently
گروه اسمی This month
گروه حرف اضافه‌ای during the past week

همان گونه که مشاهده می‌شود در اینجا عبارت پایانی از نظر صورت به طبقه‌ای جداگانه (گروه قیدی، گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای) تعلق دارد ولی یک نقش واحد (نقش قیدی) را ایفا می‌کند.

آنها در صفحه ۴۸۹ قیود را از نظر شکل ظاهر و صورت به انواعی تقسیم کرده‌اند^۴

۴. هادلستون و پولوم (Huddleston and Pullum 2002: 570-574) نیز به ساختمان گروه قیدی اشاره نموده، آنها را به دو دسته متمم‌های قیدی (شامل گروه‌های حرف اضافه‌ای، بندهای قیدی، متمم‌های غیرصریح) و توصیف‌کننده‌های قیدی (شامل گروه‌های قیدی، شناسه‌ها (determinatives)، گروه‌های اسمی و گروه‌های حرف اضافه‌ای) تقسیم کرده‌اند. با وجودی که این کتاب دستور زبانی جامع و توصیفی و هم‌زمان از انگلیسی معیار بوده، جدیدتر از دستور زبان کوثرک و همکاران است، نگارنده این سطور برای تحلیل داده‌های زبان فارسی، الگوی کوثرک و همکاران را به دلایل زیر مناسب‌تر تشخیص داده‌است. هادلستون و پولوم مواردی را که در دستورهای پیشین به طور پراکنده به آنها اشاره شده‌است در قالب الگوی منظمی طبقه‌بندی کرده‌اند و تنها نکات جدیدی که در این طبقه‌بندی مشاهده می‌شود، یکی اشاره به شناسه‌هاست و دیگری این است که در خصوص متمم‌های حرف اضافه‌ای گفته شده آنها گروه‌های اسمی‌ای هستند که می‌توانند بندهای پرسشی و با بندهای تفضیلی بگیرند. در خصوص متمم‌های قیدی پیش‌ازین برخی دستورنویسان ایرانی (از جمله فرشیدورد

در ادامه خلاصه آن به صورت نمودار ارائه شده است.



اینک با توجه به آراء دستورنویسان ایرانی در این خصوص و نیز با بهره‌گیری از الگویی که کوثرک و همکاران (Quirk et.al. 1985) در اختیار ما قرار داده‌اند، ابتدا قید را از نظر معنا به اقسامی تقسیم نموده، سپس صورت‌هایی را که هریک از قیود می‌توانند در قالب آنها تجلی یابند مورد بررسی قرار می‌دهیم. ضمناً، از آنجا که قید از لحاظ معنایی می‌تواند مفاهیم گوناگونی را دربرگیرد و بررسی تمامی آنها از حوصله این مختصر خارج است، در اینجا تنها به بررسی مفاهیم عمده اکتفا شده است. درضمن، اکثر شواهد از کتاب مبانی علمی دستور زبان فارسی، تألیف پروفیسور احمد شفقایی و نیز آثار معاصر فارسی اقتباس شده و گاهی هم برحسب نیاز، نگارنده با استفاده از شمّ زبانی خود مثالی را افزوده است.

→ ۱۳۴۸: ۱۶۸) مطالبی را عرضه داشته‌اند. البته هنوز جا برای تحقیقات بیشتر در این زمینه وجود دارد. حال آنکه الگوی کوثرک و همکاران، در عین حال که الگوی نسبتاً منظمی از ساختمان قید به دست می‌دهد، طبقه‌بندی‌ای که از بندهای قیدی هم ارائه کرده در هیچ‌یک از کتاب‌های دستور مشاهده نمی‌شود.

تقسیم‌بندی قیود بر اساس معنا

۱. قید مکان

۲. قید زمان

۳. قیود فرایندی
الف) حالت
ب) وسیله
ج) عاملی

۴. قیود مشروط
الف) سبب
ب) منظور و هدف
ج) خلافی
د) نتیجه
ه) شرط

۵. قیود وجهی
الف) تأکید
ب) انحصار
ج) تقریب

۶. قیود مقدار
الف) تشدیدکننده
ب) تقلیلی
ج) اندازه و مقدار

۱. قید مکان

قیود مکان در زبان فارسی به صورت گروه اسمی، گروه حرف‌اضافه‌ای، گروه قیدی و نیز بندهای قیدی با اشکال تصریف‌شده فعل ظاهر می‌شوند. در ادامه برای هر یک مثالی ارائه شده است:

۱. شب همان جا ماندیم. (گروه اسمی)

اصولاً گروه‌های اسمی که برای نشان دادن مفهوم مکانی به کار می‌روند، گروه‌های حرف‌اضافه‌ای هستند که حرف اضافه آنها حذف شده است.

۲. کیفش را گوشه‌ای انداخت = کیفش را در گوشه‌ای انداخت.

۳. دوستم را در ایستگاه راه‌آهن استقبال کردم. (گروه حرف‌اضافه‌ای)

۵. اصطلاح «خلافی» را شفايي (۱۳۶۳: ۲۸۷) تحت عنوان «علاقه‌خلافی» به کار برده است.

اینجا، آنجا، بالا، پایین اسم‌های مکان و جهت هستند که می‌توانند نقش قید را ایفا نمایند و قید یا گروه قیدی طبقه بسته‌اند.

قیودی که جهت را می‌رسانند، نظیر شرقاً، شمالاً و نظایر آن که امروز بیشتر به کمک حرف اضافه‌گروهی از سمت، از طرف به صورت از طرف / سمت شمال استفاده می‌شود.

۴- الف: من کودکی و جوانی‌ام را در تفلیس، جایی که آن‌همه خاطره از کودکی در آن نقش

بسته‌است، گذراندم. (سخن) (شفایی ۱۳۶۳: ۴۶۷)

ب: کم‌کم کار به جایی کشید که از کلیه‌ی دوستان و آشنایان سیر و بیزار گردید. (جمال‌زاده)

(شفایی، ۱۳۶۳: ۴۶۹)

در مثال (۴- الف) جمله پایه دارای قید مکان مستقل^۶ (در تفلیس) است و بند پیرو مکانی در نقش قید مکان استعمال شده‌است. بدین ترتیب، می‌توان بند پیرو مکانی را حذف کرد، بدون اینکه به دستوری بودن جمله آسیبی وارد آید.

در مثال (۴- ب) جمله پایه دارای قیود مکان مستقل نیست؛ بنابراین، به هیچ‌وجه نمی‌توان بند پیرو مکانی، یا به بیانی دقیق‌تر، ساخت موصولی مکانی را حذف کرد. اصولاً صورت‌های بندی بیشتر در مواردی استعمال می‌شود که مکان واقعی نامعین است.

۲. قید زمان

قیود زمان اصولاً به کمک گروه‌های حرف‌اضافه‌ای نشان داده می‌شوند. البته گروه‌های اسمی که مقطع زمان، طول زمان و تکرار را می‌رسانند و نیز گروه‌های قیدی و بندهای قیدی هم برای معرفی قیود زمان به کار می‌روند. بندهای قیدی که دارای اشکال تصریف‌شده فعل هستند اصولاً با استفاده از حروف ربط زمانی ساخته می‌شوند. در پاره‌ای موارد این‌گونه بندها در جمله‌ای به کار می‌روند که قید زمان مستقلی وجود دارد و جمله‌ای که به دنبال آن می‌آید صرفاً توضیحی به آن می‌افزاید و وجودش الزامی نیست. تکرارهای نامعین هم اصولاً به کمک این‌گونه بندها نشان داده می‌شود. بندهای قیدی که دارای شکل تصریف‌شده فعل هستند اصولاً از یک حرف ربط مرکب زمانی + مصدر

۶. منظور از مستقل این است که وابسته به عنصر دیگری نیست و می‌تواند مستقلاً به کار رود.

ساخته می شوند که گاهی به همراه مصدر، ضمیر متصل هم می آید.

۲- الف: گروه اسمی

۵- الف: هفته گذشته به دیدن دوستم رفتم. (مقطع زمان)

ب: او ساعت ها به تفکر می نشست. (طول زمان)

پ: هر هفته، سه چهار بار به دیدنش می رفتم. (تکرار)

۲- ب: گروه حرف اضافه ای

۶- الف: از همان ساعت یکباره نظرش نسبت به او تغییر کرد.

ب: ... که در بچگی، هم بازی ما بود = ... هنگامی که بچه بودیم، هم بازی ما بود.

۲- ج: گروه قیدی

۲- ج - ۱ طبقه بسته

۷- الف: قیود مختص: الان، حالا، اینک، ترکیبات حرف اضافه ای عربی (فی الفور، فی الحال و

نظایر آن)، قیودی که تکرار را می رسانند و به مرجع خاصی اشاره ندارد (همیشه،

همواره، پیوسته و غیره).

ب: قیود مشترک: دیروز، امروز، امسال.

۲- ج - ۲ طبقه باز

۸- الف: قیود مختص: سابقاً، فوراً، مرتباً، امروزه، رفته، اومدنه.

ب: قیود مشترک: ماهانه، سالانه، روزانه.

۲- د: بندهای قیدی

۲- د - ۱ با آشکال تصریف شده فعل

۹. وقتی که نویسنده از زبان خودش سخن می گوید سبکی ساده، محکم و بی تکلف دارد.

(سخن) (شفایی: ۱۳۶۳: ۴۱۴)

۲- د - ۲ با آشکال تصریف نشده فعل

۱۰- الف: در موقع برگشتن به ایران، از کشور ترکیه دیدن کرد.

ب: به محض رسیدنم به اصفهان، به دیدن دوستم رفتم.

۳- قید فرایندی

قیود فرایندی به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) قید حالت؛ ب) قید وسیله؛ ج) قید عاملی.

۳- الف: قید حالت

قیود حالت اصولاً به کمک تمامی صورت‌ها، به‌استثنای گروه اسمی، گروه قیدی طبقه بسته و بندهای قیدی، با اشکال تصریف‌نشده فعل نمود می‌یابند. با این حال، گروه حرف‌اضافه‌ای و گروه قیدی طبقه باز بیش از صورت‌های دیگر مورد استعمال دارند. بندهای قیدی که دارای اشکال تصریف‌شده فعل هستند اصولاً به کمک حروف ربط ساخته می‌شوند. بندهای قیدی که دارای اشکال تصریف‌نشده فعل هستند اصولاً به کمک حروف ربط ساخته می‌شوند. بندهای قیدی که دارای اشکال تصریف‌نشده فعل هستند اساساً گروه‌های حرف‌اضافی‌اند که از یک حرف اضافه + مصدر مرخم / اسم مصدر ساخته شده‌اند. بندهای بدون فعل هم اصولاً از صفاتی ساخته می‌شوند که می‌توانند مسند واقع شوند.

۳- الف - ۱ گروه حرف‌اضافه‌ای

الف) حرف اضافه + گروه اسمی: با صدای بلند، با روی گرفته؛

ب) حرف اضافه گروهی: با لحنی، با حالتی، به شیوه؛

پ) ترکیب‌های ثابت: با کمال بی‌تابی، با نهایت احترام، با یک دنیا شرمندگی.

۳- الف - ۲ گروه قیدی

۱۱. طبقه باز: به‌زحمت، با زحمت، به‌ناخت، بلندبلند، لنگ‌لنگان، دوان‌دوان، شخصاً، اصولاً،

لرزان، عرق‌ریزان، چادر نمازکشان، خدای‌راشکرکنان.

۳- الف - ۳ بندهای قیدی

۳- الف - ۱-۳ با اشکال تصریف‌شده فعل:

۱۲. بی‌آنکه سر برگردانم، از آنجا گذشتم.

۳- الف - ۲-۳ بدون فعل:

۱۴: خسته وارد اتاق شد = درحالی‌که خسته بود وارد اتاق شد.

۳- ب: قید وسیله

۳- ب - ۱ گروه حرف‌اضافه‌ای

۱۵- الف: این بسته را به وسیله پست هوایی برایتان فرستادم.

ب: هر مشکلی را می توان با فکر کردن حل کرد.

۳-ب- ۲ گروه قیدی

- طبقه باز:

۱۶. آن بسته را زمینی ارسال کردم.

۳-ب- ۳ بندهای قیدی

۳-ب- ۱-۳ با آشکال تصریف شده فعل:

۱۷. آن نامه را از طریق سازمانی فرستادم که سابقه زیادی در این امر دارد.

این ساخت در واقع متشکل از حرف اضافه مرکب و ساخت موصولی است.

۳-ج: قید عاملی

۳-ج- ۱ گروه حرف اضافه ای

۱۸- الف: دکتر به دست معاونش به قتل رسید.

ب: او به دست علی که از دوستان قدیمی پدرش بود به قتل رسید.

قیود عاملی اصولاً به صورت گروه های حرف اضافه ای (حرف اضافه + گروه اسمی)

نمود می یابند.

۴. قیود مشروط

قیود مشروط به صورت زیر طبقه بندی می شوند:

الف) سبب؛ ب) منظور و هدف؛ ج) خلافت؛ د) نتیجه؛ ه) شرط

۴- الف: قید سبب

۴- الف - ۱ گروه حرف اضافه ای

۱۹- الف: از خوشحالی فریاد کشیدم.

ب: از سر ترحم و دلسوزی، لبخندی تحویلش دادم.

پ: او به حکم علاقه شخصی این کار را انجام داد.

۴- الف - ۲ بندهای قیدی

۴- الف - ۲ - ۱ با آشکال تصریف شده فعل

۲۰- الف: چون اصرار او در این باره از حد گذشت بازرسی را از خانه او شروع کردم. (م. به آذین)

(شفایی ۱۳۶۳: ۴۷۶)

ب: پارسال که شمیران بودم محض اینکه مرا اذیت کند هر شب رختخوابش را می برد زیر

درخت گردو و پهن می کرد و می خوابید. (جمالزاده، دارالمجانین: ۸۷)

این گونه قیود اساساً با گروه های حرف اضافه ای و بندهای قیدی با اشکال تصریف شده فعل ساخته می شدند.

۴-ب: قید منظور و هدف

۴-ب - ۱ گروه حرف اضافه ای

۲۱-الف: برای خرید از خانه خارج شد.

ب: به منظور رعایت اصول بهداشتی، دست های خود را مرتباً بشوئید.

۴-ب - ۲ بندهای قیدی

۴-ب - ۲ - ۱ با اشکال تصریف شده فعل

۲۲-الف: من شماها را اینجا برای این نخواستام که دندان هایتان را به من نشان بدهید. (پیام

نو) (شفایی ۱۳۶۳: ۵۰۷)

ب: او برای اینکه بتواند به هدف خود برسد شب و روز تلاش کرد.

۴-ب - ۲ - ۲ با اشکال تصریف نشده فعل

۲۳-الف: این دستگاه برای خنک نگاه داشتن سبزیجات به کار می رود.

ب: گیس فتیله مانندش از دو طرف صورت سیاه سوخته اش بیرون ریخته بود،

برای نفت گیری چراغها دور افتاده از اتافی به اتاق دیگر می رفت. (جمالزاده،

دارالمجانین: ۲۳۰)

پ: اما من از یک طرف، به حکم علاقه ای که شخصاً به رحیم داشتم، و از طرف دیگر

به قصد تسلیت خاطر کسانش، علاوه بر هفته ای دو بار که ایام عیادت معمولی بود

هر طور بود به کمک دکتر همایون اجازه به دست می آوردم... (همان جا: ۱۰۷)

این گونه قیود به وسیله گروه های حرف اضافه ای و نیز بندهای قیدی با اشکال

تصریف شده فعل و آنهایی که با اشکال تصریف نشده فعل هستند نمود می یابند. بندهای

قیدی ای که دارای اشکال تصریف نشده فعل اند در واقع گروه های حرف اضافه ای هستند

متشکل از یک حرف اضافه + گروه اسمی: ۱. مصدر / حاصل مصدر؛ ۲. مصدر / حاصل

مصدر + اسم / ضمیر؛ ۳. حاصل مصدر + گروه اسمی.

۴-ج: قید خلانی

۴-ج - ۱ گروه حرف اضافه‌ای

۲۴. با وجود سختی‌های بسیار چندان پیر نشده‌است = با وجود سختی‌های بسیاری که

کشیده‌است چندان پیر نشده‌است.

۴-ج - ۲ بندهای قیدی

۴-ج - ۲ - ۱ با اشکال تصریف شده فعل

۲۵. گرچه خون خونش را می‌خورد، دندان روی جگر گذاشت. (همان جا)

۴-ج - ۲ - ۲ با اشکال تصریف نشده فعل

۲۶. با وصف دیدن سرنوشت دیگران، عبرت نگرفت.

۴-د: قید نتیجه

۴-د - ۱ گروه حرف اضافه‌ای

۲۷. بر اثر اصابت گلوله، کشته شد.

۴-د - ۲ بندهای قیدی

۴-د - ۲ - ۱ با اشکال تصریف شده فعل

۲۸-الف: او سخت درس خواند در نتیجه موفق گردید.

ب: من زن ندارم که بچه داشته‌باشم. (حسین مدنی) (شفایی ۱۳۶۳: ۵۱۸)

۴-د - ۲ - ۲ با اشکال تصریف نشده فعل

۲۹. بر اثر خوردن غذای ناسالم، مسموم شد.

این گونه قیود به کمک گروه‌های حرف اضافه‌ای و بندهای قید با اشکال تصریف شده

فعل و همچنین آنهایی که با اشکال تصریف نشده فعل ساخته می‌شوند نمود می‌یابند.

۴-ه: قید شرط

۴-ه - ۱ گروه حرف اضافه‌ای

۳۰-الف: به شرط انجام کار خوب، مزد کافی خواهد گرفت.

ب: در صورت امکان/ لزوم، این کار را انجام خواهد داد.

۴-ه - ۲ بندهای قیدی

۴-ه - ۲ - ۱ با اشکال تصریف شده فعل

۳۱- الف: اگر همین الآن برویم به اتوبوس می‌رسیم.

ب: چنانچه قطار با توده‌ای سنگ برخورد کند، واژگون می‌شود/ خواهد شد.

۴-۵-۲-۲ با اشکال تصریف‌نشده فعل

۳۲. به شرط گرفتن پاداش، به مسافرت خواهی رفت.

قیدهای شرطی می‌توانند به کمک گروه‌های حرف اضافه‌ای و بندهای قیدی دارای اشکال تصریف‌شده فعل و نیز آنهایی که با اشکال تصریف‌نشده فعل ساخته می‌شوند نمود یابند.

۵. قیود وجهی

قیود وجهی دال بر مفاهیم تأکید، انحصار و تقریب‌اند.

۵- الف: قید تأکید

۵- الف - ۱ گروه قیدی

۳۳- الف: طبقه بسته: البته، نیز، صددرصد، هزاردرهزار، راستی‌راستی، بی‌بربرگرد

ب: طبقه باز: حتماً، یقیناً، بی‌شک، بی‌تردید

۵- ب: قید انحصار

۵- ب - ۱ گروه قیدی

۳۴- الف: طبقه بسته: تنها، فقط

– فقط تو می‌توانی آن را ببینی. (مفهوم متوجه نهاد جمله است)

– جز تو دوستی ندارم.

ب: طبقه باز: صرفاً، منحصراً

– و هیچ نمی‌توان باور نمود که پول را صرفاً برای خود جمع می‌کنند.

قیود انحصار هم تنها به کمک گروه‌های قیدی نمود می‌یابند.

۵- ج: قید تقریب

۵- ج - ۱ گروه حرف اضافه‌ای

۳۵. در حدود، در حول و حوش

۵- ج - ۲ گروه قیدی

۳۶. طبقه باز: حدوداً، تقریباً

به این طریق پوشش سنگی با قطری متفاوت در نقاط مختلف تقریباً بر همه سطح جزیره کشیده است.

این دسته قیود به کمک گروه‌های قیدی و گروه‌های حرف اضافه‌ای نمود می‌یابند.
۶. قیود مقدار

قیود مقدار به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) تشدیدکننده؛ ب) تقلیلی؛ ج) اندازه و مقدار.

۶- الف: قید تشدیدکننده

۶- الف - ۱ گروه قیدی

۳۷- الف: طبقه بسته

— او خیلی کار می‌کند.

— و حالا که خودمانیم چندان بی‌حق هم نبودند. (جمال‌زاده، دارالمجانین: ۹۰)

— چه خرجی کرد.

ب: طبقه باز: کلاً، کاملاً و نظایر آن

— خود را نباخته، از روی کمال ادب گفتم فرمایش عالی را کاملاً تصدیق دارم. (همان

جا: ۲۶)

۶- الف - ۲ بندهای قیدی

۶- الف - ۲ - ۱ با آشکال تصریف شده فعل

۳۸. او آن قدرها هم که فکر می‌کنی، جوان نیست.

ب: قیود تقلیلی

۶- ب - ۱ گروه قیدی

۳۹- الف: طبقه بسته: قدری، کمی، لختی، اندکی، جزئی، مختصری و نظایر آن

— آمده‌ام قدری با شما دردودل کنم بلکه کمی دلم باز شود.

— او به قدر سر سوزنی معرفت ندارد.

— او به بازی تنیس مختصر علاقه‌ای ندارد.

— او اندکی تأمل کرد.

ب: طبقه باز: جزئاً و نظایر آن

۶-ج: قید اندازه و مقدار

۶-ج-۱ گروه حرف اضافه‌ای

۴۰. او به قدر خرجش درمی‌آورد.

۶-ج-۲ بندهای قیدی

۶-ج-۲-۱ با اشکال تصریف شده فعل

۴۱-الف: برای حل مشکل تا حدی که ممکن است باید تحمل داشت.

ب: تا می‌توانی بکوش تا از خستگی اعصاب پیشگیری کنی. (سخن) (شفایی ۱۳۶۳: ۶۰۳)

۴. جمع‌بندی

بر پایه ملاحظات یادشده و نیز با توجه به جدول ارائه شده از نتایج این تحقیق، شاید بتوان گفت اکثر بندهای قیدی که نقش قید را ایفا می‌کنند با اشکال تصریف شده فعل ساخته می‌شوند. این نوع بندها اصولاً در مواردی استعمال می‌شوند که جمله خود دارای قید مستقلی است و جمله‌ای که به دنبال آن می‌آید صرفاً توضیحی به جمله پایه می‌افزاید و وجودش الزامی نیست. بندهای قیدی با اشکال تصریف نشده فعل، در اکثر موارد، گروه‌های حرف اضافه‌ای هستند که از یک حرف اضافه + مصدر / اسم مصدر ساخته شده‌اند. قیود به ندرت به کمک بندهای بدون فعل نمود می‌یابند. به طور کلی، با توجه به نتایج به دست آمده، اکثر قیود می‌توانند به کمک گروه‌های حرف اضافه‌ای نمود یابند، به استثنای قیود تأکید، انحصار، تشدیدکننده و تقلیلی.

به طور کلی می‌توان گفت وجه تمایزی که این بررسی با بررسی‌های پیشین دارد این است که اولاً در اینجا طبقه‌بندی قید در قالب الگوی منظمی انجام شده است که اکثر دستورهای پیشین فاقد این ویژگی هستند. ثانیاً، هیچ‌یک از طبقه‌بندی‌های پیشین دقیقاً مشابه این طبقه‌بندی نیست؛ به ویژه تقسیم‌بندی‌ای که از بندهای قیدی (با توجه به نوع فعل و حضور و یا عدم حضور آن) ارائه شده است. حتی دستورنویسانی که بررسی نسبتاً مفصلی در زمینه قید انجام داده‌اند، مانند شفایی (۱۳۶۳: ۲۹۶) که در تقسیم‌بندی جملات مرکب وابسته فارسی وظیفه فراکرد پیرو را در قبال فراکرد پایه مبنا قرار داده است؛ یعنی در واقع بیشتر ملاک معنایی و جایگاه نحوی مد نظر وی بوده تا صوری. شفایی حتی در

بررسی عناصر ساختمانی این جملات از قبیل حروف ربط، اعضای غیرمستقل، «عایدها» (همان جا)، ترتیب توالی فراکردها و موافقت اشکال گرامری گزاره‌ها، درخصوص اشکال گرامری گزاره‌ها، از زاویه‌ای که در این الگو، بندها تقسیم شده‌اند، به آن نپرداخته‌است. فرشیدورد (۱۳۴۸: ۲۲۶) نیز اقسام پیوندها و گروه‌های پیوندی را معرفی کرده و در مورد پیوندهای مورد استفاده برای هریک از قیود توضیحاتی ارائه نموده‌است. ثالثاً، همان‌گونه که پیش‌از این اشاره شد، در این مقاله تأکید بر روی شکل صوری قید است تا ویژگی‌های معنایی و نحوی آن؛ هرچند، به‌ناچار در اینجا از ملاک‌های معنایی هم استفاده شده‌است. رابعاً، ارائه نتایج این پژوهش در قالب یک جدول برای خواننده این امکان را فراهم آورده‌است تا بتواند به تمامی قیود و ویژگی‌های آنها یکجا دسترسی داشته‌باشد. بدین ترتیب می‌توان نتایج حاصل را به‌صورت جدول صفحه بعد عرضه نمود.

تقسیم بندی صوری							تقسیم بندی معنایی
بندهای قیدی			گروه قیدی		گروه حرف اضافه‌ای	گروه اسمی	قید
بدون فعل	بالذکال تصریف- نشده فعل	بالذکال تصریف- شده فعل	طبقه نادر	طبقه سته			
-	-	-	+	+	+	+	مکان
-	+	+	+	+	+	+	زمان
+	-	+	+	-	+	-	حالت
-	-	+	+	-	+	-	وسیله
-	-	-	-	-	+	-	عاملی
-	-	+	-	-	+	-	سبب
-	+	+	-	-	+	-	منظور و هدف
-	+	+	-	-	+	-	خلافی
-	+	+	-	-	+	-	نتیجه‌ای
-	+	+	-	-	+	-	شرطی
-	-	-	+	+	-	-	تأکید
-	-	-	+	+	-	-	انحصار
-	-	-	+	-	+	-	تقریب
-	-	+	+	+	-	-	تشدیدکننده
-	-	-	+	+	-	-	تقلیلی
-	-	+	-	-	+	-	اندازه و مقدار

منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۶۳ [۱۳۷۱])، دستور زبان فارسی (۱)، فاطمی، تهران؛
باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸ [۱۳۷۳])، توصیف ساختمان دستور زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
بصاری، طلعت (۱۳۴۵)، دستور زبان فارسی، کتابخانه طهوری، تهران؛
جمالزاده، محمدعلی (۱۳۲۱ [۱۳۵۶])، دارالمجانین، دانشگاه تهران، تهران؛
دایی جواد، سیدرضا (۱۳۵۰)، دستور زبان فارسی و راهنمای تجزیه و ترکیب، کتاب فروشی شهسواری، اصفهان؛
راسخ مهند، محمد (۱۳۸۲)، «قید جمله و قید فعل در زبان فارسی»، مجله زبان شناسی، س ۱۸، ش ۱، پیاپی
۳۵، ص ۹۵-۱۰۰؛
رحیمیان، جلال (۱۳۸۵)، «تحلیل نحوی و معنایی ادات در زبان فارسی»، دستور، ج ۲، ش ۲، ص ۱۴۲-
۱۶۰؛
روایی، محمد (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، ناشر: مؤلف، تهران؛
زندلی مقدم، زهرا (۱۳۷۷)، «قید، متمم، قیدواره: تحلیل زبان شناسان و کاربرد آن در زبان فارسی»، نامه
فرهنگستان، س ۴، ش ۲، ص ۱۴۸-۱۷۲؛
شریعت، محمدجواد (۱۳۶۴)، دستور زبان فارسی، اساطیر، تهران؛
شفایی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، نوین، تهران؛
صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارزنگ (۱۳۵۶)، دستور زبان فارسی سال دوم متوسطه عمومی فرهنگ و ادب،
چاپخانه اقبال، تهران؛
— (۱۳۵۷)، دستور زبان فارسی سال سوم متوسطه عمومی فرهنگ و ادب، چاپخانه جلالی، تهران؛
— (۱۳۵۹)، دستور زبان فارسی سال چهارم متوسطه عمومی فرهنگ و ادب، چاپخانه اکونومیست، تهران؛
صالحی (بختیار)، پرویز (۱۳۷۱)، دستور زبان فارسی، انتشارات هوش و ابتکار، تهران؛
طیب زاده، امید (۱۳۸۵)، ظرفیت فعل و ساخت های بنیادین جمله در فارسی امروز، نشر مرکز، تهران؛
فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۳)، «نشانه جمع و قید»، مجله وحید، ص ۵۲-۵۵؛
— (۱۳۴۴)، «قید تفضیلی و عبارات قیدی عالی در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران،
س ۱۲، ص ۲۸۴-۳۱۰؛
— (۱۳۴۸)، دستور امروز، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، تهران؛
— (۱۳۷۵)، جمله و تحول آن در زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
قریب و همکاران (پنج استاد) (۱۳۲۷ [۱۳۷۰])، دستور زبان فارسی، واژه، تهران؛
مشکوةالدینی، مهدی (۱۳۶۶ [۱۳۷۳])، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد؛
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۱ [۱۳۶۹])، دستور زبان فارسی، ج ۱۰، توس، تهران؛
وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۴۳)، دستور زبان عامیانه، کتاب فروشی باستان، مشهد و امیرکبیر، تهران؛
همایونفرخ، عبدالرحیم (۱۳۳۹)، دستور جامع زبان فارسی، انتشارات مطبوعات علی اکبر علمی، تهران؛

- FORBES, Duncan (1876), *Grammar of the Persian language*, London, Wm. H. Allen and Co;
- HUDDLESTON, R. D. and G. K. PULLUM (2002), *The Cambridge Grammar of the English language*, Cambridge, Cambridge University Press;
- LAMBTON, A. K. S (1953 [1974]), *Persian Grammar*, Cambridge, Cambridge University Press;
- MATHEWS, P.H. (1981), *Syntax*, Cambridge, Cambridge University Press;
- PLATT, John T. and George S. A. RANKING (1911), *A Grammar of the Persian language*, Oxford;
- QUIRK et.al. (1985), *A Comprehensive Grammar of the English Language*, Longman;
- RUBINCHIK, Yu. A. (1971), *The Modern Persian language*, Moscow, 'Nauka' Publishing House.

